

روخوانی قرآن و تدبیر در آن دو وظیفه ما / ائمه (ع) و شب قدر ۴

آیت الله العظمی مدرس در چهارمین جلسه تفسیر و تدبیر سوره قیامت به سه فضیلت ماه رمضان اشاره و نکاتی درباره علت تقارن شب های قدر با اهل بیت (ع) گفتند و در ادامه به تشریح لزوم روخوانی قرآن و سپس تدبیر در آن به عنوان دو وظیفه ما نسبت به قرآن پرداختند. و ضمن بیان راهکاری برای درمان آلزایمر به اهمیت احیاء مکتب خانه های قرآنی در دوران کودکی اشاره کردند.

بسم رب المهدی (عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ چهارمین جلسه تفسیر و تدبیر در سوره قیامت توسط آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرس (دام ظلّه) بامداد شنبه ۴ خردادماه ۱۳۹۸ برابر با ۱۹ ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم را با محوریت تفسیر آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت برگزار شد.

خداوند در این آیات می فرماید:

لَا تُحَرِّسُكَ بِهِ لِرِسَاكَ لِيَتَعَجَّلَ بِهِ ۝۱۶

زبانَت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده

إِنَّ ۙ عَلَیْهِنَا جَمْعَهُ ۙ وَقُرْآنَهُ ۙ ۝۱۷

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست

فَإِذَا قَرَأْتَ نَافَهُ ۙ فَاتَّبِعْ ۙ قُرْآنَهُ ۙ ۝۱۸

پس هر گاه آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن

ثُمَّ ۙ إِنَّ ۙ عَلَیْهِنَا بَیْآنَهُ ۙ ۝۱۹

سپس بیان و توضیح آن نیز بر عهده ماست

برخی موضوعات مطرح شده در این جلسه: سه فضیلت ماه رمضان/علت دو بار نازل شدن قرآن/علت تقارن شب های قدر با اهل بیت(ع)/قرآنی بودن همه ابعاد زندگی امیرالمومنین(ع)/نزول قرآن در شب قدر بر قلب امام زمان(عج)/قرآن ظاهر و قرآن باطن/مسئولیت و وظایف ما نسبت به قرآن/تلاوت و روخوانی قرآن اولین وظیفه ما نسبت به قرآن و لزوم یادگیری روخوانی قرآن/حرکت مبارک نهضت قرآنی در ایران/ لزوم احیاء مکتب خانه های قرآنی دوران کودکی/ لزوم حفظ قرآن/توصیه به تلاوت روزی ۵۰ آیه/ راهکار درمان آلزایمر/ تدبیر در قرآن دومین وظیفه ما نسبت به قرآن/چهار آیه درباره تدبیر در قرآن/لزوم مراجعه به تفسیر قرآن توسط اهل بیت(ع)/منظور از آیات محکّمات در قرآن/لزوم فهم قرآن

معظم له در این جلسه با توجه به شب قدر ضمن بیان فضیلت ماه رمضان و علت تقارن شب قدر با اهل بیت(ع)، در ادامه با توجه به آیات مورد بحث امشب درباره مسئولیت و وظیفه ما درباره قرآن سخن گفتند. اینک در ادامه مشروح بیانات معظم له تقدیم شما معارف جویان عزیز و همراهان گرامی می گردد.



مشروح بیانات معظم له به شرح زیر است:

سه صفت و فضیلت ماه مبارک رمضان

از آیات کریمه قرآن این چنین استفاده می شود که فضیلت ماه مبارک رمضان به چند دلیل است. اول اینکه ماه قرآن است و خدا نیز می فرماید: « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ »

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلَا يَصُمْهُ»؛ (آیه ۱۸۵ سوره بقره: ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده که راهنمای مردم و دلایلی روشن از هدایت و جدایی (بین حق و باطل) است. پس کسی که در این ماه حاضر باشد (در وطن باشد) باید آن را روزه بدارد.) دلیل دیگر فضیلت ماه مبارک رمضان، شب قدر است که خداوند شب قدر را در این ماه مبارک قرار داده است و می فرماید: **« لَيْلَاهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛** (آیه ۳ سوره قدر: شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است.) و در دعای این ماه می خوانید: **« وَ جَعَلَتْ فِيهِ لَيْلَاهُ الْقَدْرِ وَ جَعَلَتْهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».** (دعای یا علی و یا عظیم: و شب قدر را در این ماه مقرر داشتی و نیز آن شب را بر هزار ماه برتری دادی.)

و سوم صفت و فضیلت ماه رمضان این است که ماه رمضان، ماه دعا است. در قرآن نیز خداوند می فرماید: **« وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُنِيبُ دَعْوَاهُ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَا يَسْتَجِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّ هُمْ يَرْشُدُونَ».** (آیه ۱۸۶ سوره بقره: و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند.)

بنابراین ماه مبارک رمضان، هم ماه دعا، و هم ماه لیالی متبرکه قدر و هم بهار دعا است. البته ویژگی های دیگری هم دارد، ولی بحث ما امشب درباره قرآن است و شاید در شب های آینده هم ادامه داشته باشد.

نزول دفعی و تدریجی قرآن

خوب شب های قدر است و شب های قدر ما در خانه خدا می رویم، و شبی است که قرآن نازل شده است. روایت از مفضل است که از امام صادق(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: قرآن دو مرتبه نازل شد. در حقیقت یک مرتبه در شب قدر به صورت یکجا، جمله واحده بر قلب شریف پیامبر اکرم(ص) نازل شد و بعد از آن به صورت آیه به آیه تدریجاً نازل شد که قرآن نیز می فرماید: **« كَذَلِكَ لِنُنذِرَكَ وَ لِنُرِيَنَّكَ فِيهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّ لَنَا هُ»** (سوره قمر: ۱۷-۱۸)؛ این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.) به این دلیل در مرحله دیگر قرآن تدریجی نازل شد، که وقتی یک آیه نازل شد، مردم

آن را خوب بفهمند و به آن عمل کنند و بعد آیه دیگری نازل شود و به قرآن خدشه ای وارد نشود.

علت تقارن شب قدر با عزای امیرالمومنین(ع) و زیارت امام حسین(ع)

ولی یک نکته ای را عرض کنم؛ و آن این است که تقارن شب های قدر با مصیبت آقا امیرالمومنین(ع) و زیارت موکد آقا امام حسین(ع) در این شب ها به چه دلیل است؟ خوب شب قدر شب قرآن است و این قرآن در شب قدر نازل شد، پس چه دلیلی دارد این شبها سوگوار آقا امیرالمومنین(ع) باشیم و به زیارت امام حسین(ع) برویم؟!

خداوند حجتش را بر بشر کامل کرد و فرمود: «قُلْ فَلَوْلَا أَنزَلْنَاهُ بِاللَّيْلِ» (آیه ۱۴۹ انعام: بگو: برای خدا حجّت بالغه و رساست،) یکی از ابعاد کمال حجت الهی بر بشر این که این قرآنی که از آسمان نازل شده در زمین به وسیله حجت الهی که قرآن ناطق است به دست ما می رسد.

این حجت های الهی انواری بودند که در اطراف عرش خدا بودند و خداوند آنها را به زمین آورد و به صورت انسان قرار داد که قرآن ناطق باشند که همان قرآن با عمل، همان قرآن با بدن انسانی به ما برسد. این نکته خیلی مهم است که کسی نگوید ما نمی توانیم برسیم و این قرآن را متوجه نمی شویم.

به طور مثال یکی از این انوار الهی پیامبر اکرم(ص) است، از شخصی درباره اخلاق پیامبر(ص) پرسیدند که اخلاق ایشان چطور بود؟ وی گفت: «كَانَ خُلِقَ الْقُرْآنُ»، اخلاق پیامبر(ص) قرآنی بود. منشور اخلاق پیامبر(ص) در همین کتاب آسمانی موجود است که خدا نیز می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (آیه ۴ سوره قلم: و در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای.)

دیگر انوار الهی امام حسین(ع) است. آقا امام حسین(ع) شب عاشورا چه گفتند؟ امام حسین(ع) عاشق شهادت بودند و برای لقاء الله به کربلا آمدند، ولی چرا به حضرت عباس(ع) گفتند یک شب مهلت بگیرد؟ آیا امام از مرگ می ترسیدند؟ نه چنین نبود که امام از مرگ بترسند، بلکه حضرت فرمود: می خواهم یک شب بیشتر قرآن بخوانم و خدا می داند که من چقدر قرآن را دوست دارم.

قرآنی بودن تمام حرکات و سکنات آقا امیرالمومنین(ع)

آقا امیرالمومنین(ع) یک پارچه قرآن بودند و ایشان قرآن ناطق بودند، از نوجوانی که در رکاب پیامبر(ص) بودند قرآن می خواندند، قرآن درس می دادند، قرآن تفسیر می کردند و به قرآن عمل می کردند و تمام حرکات و سکنات آقا امیرالمومنین(ع) قرآن بود تا روزی که در محراب مسجد کوفه فرمودند: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».

شب قدر شبی مقدس و شب تولد و نزول قرآن کریم است و خدا این شب را مبارک کرده است، و تقارن شب قدر با ائمه معصومین(علیهم السلام) و آقا امیرالمومنین(علیه السلام) از این جهت است که در شب قدر هر ساله قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل شد و اکنون نیز بر قلب مقدس آقا امام زمان(عج) نازل می شود و مجدد تجدید می گردد. پس قرآن زُمرده و قرآن هر سال بر قرآن ناطق نازل می شود، حالا چه چیزی به قرآن اضافه می شود تاویلات قرآن یک بحث دیگری است، و هر شب قدر قرآن «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (آیه ۴ سوره دخان: در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت صادر می شود.) می شود.

نزول قرآن در شب قدر بر امام زمان(عج)

عظمت این شب این است که روح القدس که بر پیامبران و پیامبر(ص) ما نازل می شد، در شب قدر هم نازل می شوند. ائمه(علیهم السلام) به ما فرمودند: اگر با شما بحث کردند، در پاسخ به آنها استدلال به سوره قدر کنید و بگویید اینکه در این سوره خداوند می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، (آیه اول سوره قدر: ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم.) این قرآن بر چه کسی نازل می شود؟ آنها مجبور هستند بگویند بر امامی نازل می شود، پس آن امام کجاست؟! بنابراین یک امام حی و حاضر و غایب هست و ما به این امام افتخار می کنیم و به او ایمان و رابطه داریم و این امام در این مقطع زمانی کسی نیست جزء آقا امام زمان(عج)، و امام نیز برای ما دعا می کند و باز افتخار ما این است که فردای قیامت این امام شفیع ما است.

قرآن ظاهر و قرآن باطن

آیاتی که در ابتدا تلاوت شد، درباره قرآن است. در روال سوره قیامت بحث نفس لوامه و بحث دیگر روز قیامت بود، و یک مسئله که سوال شده این که چه ارتباطی این آیات با آیات گذشته دارد؟

آن چیزی که خداوند در وجدان ما تعبیه کرده و آن چیزی که فطرت و عقل ما آن را قبول دارد، مشروح آن را خداوند در قرآن آورده است.

یعنی در حقیقت این دو مکمل هم هستند. اگر قرآن کلام خداوند سبحان و تعالی در ظاهر است که مثل آن در پیش پیامبران قبل بوده، عقل شما هم یک قرآن است ولی قرآن باطن است. پس قرآن عقل ظاهر است و عقل قرآن باطن است، البته در روایات کلمه قرآن را ندارد کلمه رسول آمده است.

این دو با هم هماهنگ هستند؛ چرا وقتی پیامبر(ص) این قرآن را آورد یک عده سریع آن را پذیرفتند؟ چون عقل باطن این افراد پاک و بدون حجاب بود و دیدند حرف قرآن هم همان حرف های وجدان و باطن آنها است ولی مشروح تر و کامل تر است، پس سریع این قرآن را پذیرفتند.

باز شدن عقل درونی با خواندن قرآن

مکرر عرض شد که آن کسانی که طوری قرآن را بخوانید که این قرآن عقل درونی را باز و تبلور کند، چنین کسانی که عقل درونی آنها با قرآن باز شده دیگر خوب می فهمند و همینطور خوب هم ایمان دارند و خوب هم عمل می کنند.

مسئولیت و وظایف ما نسبت به قرآن

حالا ما چه مسئولیتی نسبت به قرآن داریم؟ این کلمه "مسئولیت" یک مقدار سنگین است، اما از آن استفاده می کنیم در حالتی که باید بدانیم هر مسئولیتی که ما نسبت به قرآن داریم، سود و فایده آن برای خود ما است. پس ما باید این مسئولیت را جدی بگیریم.

ما نسبت به قرآن پنج مسئولیت داریم. **اولین مسئولیت** تلاوت و روخوانی قرآن است، **دومین مسئولیت** تدبر در قرآن و فهمیدن آن است، **سومین مسئولیت** این که قرآن را وسیله فهمیدن حقایق قرار دهیم و بینش قرآنی داشته باشیم و حقایق را از دریچه قرآن ببینیم، **چهارمین مسئولیت** خود را با قرآن بازسازی کنیم، یعنی یک خلقت جدید، یک ولادت از نو مثل اینکه تازه به دنیا آمده ایم. مثلا احکام قرآن، اخلاق قرآن را عمل کنیم و به عبارت دیگر عمل به قرآن است. و **پنجمین مسئولیت** ما اینکه قرآن را به دیگران تشریح کنیم.

*تلاوت و روخوانی قرآن اولین وظیفه نسبت به قرآن

اولین مسئولیت ما نسبت به قرآن، تلاوت و روخوانی قرآن است. یعنی

انسان قرآن بخواند، منظور همین روخوانی قرآن است که روخوانی قرآن نوع مختلف دارد. پس در اولین قدم باید بدانید که در این قرآن چه نوشته است و بتوانید آن را بخوانید که گام اول روخوانی قرآن است.

یکی از واجبات بر مسلمانان اول بعثت این بود که مسلمانان شب بیداری داشته باشند که در این شب بیداری قرآن تلاوت کنند. از این جهت خداوند در سوره مزمل می فرماید: « قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا عَلاَيَا؛ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا؛ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا »؛ (آیات ۲ تا ۴ سوره مزمل: به پا خیز شب را مگر اندکی؛ نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه؛ یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان) قیام لیل در اینجا به معنی شب بیدار شدن برای تلاوت قرآن برای اینکه « إِنْ نَسَا سَدُّ لُقَيِّ عَلاَيِكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ». (آیه ۵ سوره مزمل: در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می کنیم).

نیمه شب وقت مناسب برای تلاوت و روخوانی قرآن

بنابراین شب بیدار شوید و شب قرآن بخوانید و برنامه روخوانی قرآن را در نیمه شب داشته باشید، برای اینکه قرآن در ذهن شما جا بیفتد، گفتند قرآن را شب بخوانید، وقتی در نیمه شب که همه خفته اند، شما بیدار شوید و با قرآن انس بگیرید و قرآن را تلاوت کنید، آن را بهتر می فهمید. و خوشا به حال کسانی که شب ها را تا به صبح با قرآن هستند.

من چند نفر را می شناسم و هستند کسانی از شب تا صبح یک ختم یا نزدیک به یک ختم قرآن می خوانند. ببینید چنین کسانی چه رابطه نزدیکی با روح القدس برقرار می کنند و چه اوجی می گیرند. آقا امام حسین(علیه السلام) نسبت به حبیب بن مظاهر ظاهرا فرمودند: "ان رجل الفاضل" تو آدم مهمی هستی و خیلی فضل داری که در یک شب ختم قرآن انجام می دهی.

پناه بردن به قرآن در زمان فتنه ها / قرآن شفا و اصلاح کننده

پیامبر اکرم(ص) در بین اصحاب نشسته بودند و درباره حوادث بعد از خوشان صحبت می کردند که فتنه های خواهد شد، کسی گفت: چه کنیم این فتنه ها زیاد نشود؟ حضرت فرمودند: به قرآن برگردید! « فَإِذَا الْاَلْتَبَسَتْ عَلاَيَكُمْ الْاَلْفِتَنُ كَقَطْعِ الْاَلَّيْلِ الْاَلْمُظْلِمِ وَعَلاَيَكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَمَا حِلٌّ مُصَدَّقٌ وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ

قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ
إِلَى النَّارِ» [۱]. اگر فتنه ها و مشکلات زیاد شد، به قرآن
برگردید. بدانید که قرآن شفا و اصلاح است. گرانی را ارزانی می
کند! در خشکسالی باران می آورد و همه چیز در قرآن است. قرآن شافع
مشفع است و اگر آمد بر علیه شما شهادت داد قبول می کند و اگر بر
له شما شهادت داد آن هم قبول می شود، کسی که قرآن را جلو ش
بگذارد او را به بهشت می برد و اگر عقب سرش بگذارد او را به جهنم
می اندازد. بنابراین در سختی ها به قرآن پناه ببرید، همانطور که
پیامبر(ص) فرمودند: اگر دشمن به شما هجوم آورد و گرفتار شدید، به
قرآن پناه ببرید.

لزوم یادگیری حداقل روخوانی قرآن در اولین قدم

پس ختم قرآن ما را به مسئله دیگری می رساند و آن روخوانی قرآن
است. بعضی می گویند ما بلد نیستیم قرآن بخوانیم! در صورتی که
اولین وظیفه ما نسبت به قرآن همین روخوانی قرآن است، چرا یک
مسلمانان نتواند قرآن را بخواند، بدانید در اولین قدم نباید حتی
روخوانی قرآن را از دست بدهید.

مهمترین دلیل پیشرفت ایران نهضت قرآنی در این کشور / شروع آن با روخوانی قرآن

در جمهوری اسلامی ایران یک ده است که یک نهضت قرآنی بسیار مبارک
آغاز شده است و همین نهضت قرآنی یکی از دلایل پیشرفت ایران و از
بین رفتن دشمنانش شده است. و این نهضت قرآنی از روخوانی قرآن
شروع شد.

ضمناً باید از آموزگان مدارس که بچه ها را با قرآن آشنا می کنند و
روخوانی قرآن را به آنها یاد می دهند، باید تشکر کرد. این معلمین
عزیز قرآنی بدانند که ثواب بسیار عظیمی دارند. و همینطور خیلی
مهم است که هیئت های مذهبی که در آن قرآن خوانده می شود. اما باز
جای گله دارد چرا که در حفظ قرآن کوتاهی شده است.

لزوم احیاء مکتب خانه های قرآنی و حفظ قرآن در کودکی

ده کشور در ذهنم هست که این کشورها برنامه بسیار خوبی دارند و آن
اینکه بچه ها را از چهارسالگی به مکتب خانه قرآنی می فرستند و در
آنجا بچه ها به مدت دو سال قرآن حفظ می کنند و در کنار قرآن
خواندن و نوشتن هم یاد می گیرند و بعد به مدرسه می روند.

بعدها در آمارها مشاهده کردند که بچه هایی که در کودکی اول به مکتب خانه رفتند سپس به مدرسه رفتند از همه هم کلاسی های خود از نظر علمی و درسی جلوتر هستند.

چرا مکتب خانه های ما از بین رفت؟ یک موج شدید آمد که با فشار و تبلیغات ضد به زور این مکتب خانه ها را تعطیل کردند که ما را از قرآن جدا کنند ولی ما باید به حفظ قرآن برگردیم.

حفظ قرآن راهکاری برای درمان آلزایمر

بعضی می گویند سن ما برای حفظ قرآن گذشته است و دیگر حافظه ما یاری نمی کند! اما امروز می خواندم که این مرض آلزایمر در سن بالا هست و اگر کسانی مبتلا به آلزایمر شد اگر چیزی را حفظ کنند، این مرض متوقف می شوند. و اگر قبل از ابتلای این مرض حفظ کند، اصلاً مبتلا نمی شود. حالا حداقل برای اینکه در سن بالاتر گرفتار آلزایمر نشوید قرآن را حفظ کنید.

لزوم اشاعه روخوانی و حفظ قرآن و اثر آن در قیامت

از این جهت باید روخوانی قرآن را اشاعه کنید و بچه های خود را حافظ قرآن کنید و خود نیز قرآن را حفظ کنید. که روز قیامت روایت داریم: « **يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِيءٍ - الْقُرْآنِ اِقْرَأْ وَ ارْقَ»**، که هر کس در دنیا قاری قرآن بوده (قرآن حفظ نموده) به هر آیه ای که می خواند، یک درجه بالاتر می رود. [۲] و این جهت مسئله مهمی است و حفظ ما نیز باید وابسته و در گرو توجه به قرآن باشد.

توصیه به خواندن حداقل روزی ۵۰ آیه

پس مردم بیایید و به قرآن توجه داشته باشید. ماه رمضان خوب توجه می شود، اما بعد از آن قرآن فراموش می شود و بعضی کمتر قرآن می خوانند. توصیه من این است که حداقل در بعد از ماه مبارک رمضان روزی ۵۰ آیه قرآن را بخوانید. بعد نتیجه این انس با قرآن را خواهید دید که در زندگی شما چه گشایش هایی خواهد شد.

*دومین مسئولیت تدبیر و تفکر در قرآن / چگونگی تدبیر در قرآن

دومین مسئولیت ما نسبت به قرآن تدبیر و تفکر در آن است، تدبیر یعنی

انسان یک آیه را می خواند درباره هر کلمه آن فکر می کند. اول روی هر کلمه فکر کند ببیند این کلمه چیست، اگر به عربی مسلط هستید به عربی هر کلمه را فکر کنید و اگر به عربی مسلط نیستید به هر زبانی که دارید به ترجمه همان زبان توجه کنید و ببینید این کلمه چیست و چه معنی دارد.

مثلا در همین سوره قیامت از خود بپرسیم "یوم القیامه" یعنی چه؟ بعد در کنار معنی آن از خود درباره روز قیامت سوال کنید، مثلا بگویید روز قیامت ۵۰ سال است پس چرا با اینکه روز قیامت ۵۰ سال است ولی چرا قرآن گفته روز قیامت؟! در صورتی که روز ۲۴ ساعت است! و اینگونه هر آیه و هر کلمه را بخوانید و تفکر کنید و از خود سوال بپرسید و جلو بروید.

چهار آیه درباره تدبر در قرآن

در قرآن چهار آیه نسبت به تدبر در قرآن آمده است، به علاوه آیاتی که به طور غیر مستقیم امر به تدبر در قرآن نموده است. می فرماید: « **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ**»، (آیه ۲۹ سوره صاد: کتابی مبارک به سوی تو فرو فرستادیم تا آن سوی آیاتش را بنگرند و خردمندان یاد آورند)، در آیه دیگر نیز می فرماید: « **أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ**»، (آیه ۶۸ سوره مومنون: آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!) و در آیه ای دیگر که می فرماید: « **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ**»، (آیه ۸۲ سوره نساء: آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟!) چرا در قرآن تدبر ندارید؟ در آیه دیگر می فرماید: « **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا**»، (آیه ۲۴ سوره محمد(ص): آیا در قرآن تدبر نمی کنند ؟ بلکه بر دل های آنان و هم مسلکان نشان قفل های مخصوص دل ها قرار گرفته است.) در این آیه هم علت تدبر نکردن در قرآن را خداوند بیان نموده و می فرماید چون بر دل های این افراد قفل است نمی توانند بفهمند و تدبر کنن.

رجوع به تفسیر و کلام اهل بیت(ع) درباره قرآن

بعضی ها درباره قرآن و تدبر در قرآن یک بحث غلط اندازی دارند و آن اینکه می گویند: هیچ کس غیر از اهل بیت(علیهم السلام) قرآن را

نمی فهمد! بنده در پاسخ به این افراد می گوئیم: درست است که قرآن بر اهل بیت(ع) و در منزل آنها نازل شده و آنها به قرآن توجه دارند، اما به این مفهوم نیست که ما قرآن نخوانیم و آن را کنار بگذاریم! بلکه معنای آن این است که ما قرآن را بخوانیم و به تفاسیر و کلام اهل بیت(ع) مراجعه کنیم و یا اینکه به تفاسیر علمای ما که آنها نیز از تفاسیر و کلام اهل بیت(ع) استفاده کردند، رجوع کنیم.

آیه ۷ سوره آل عمران کلید فهم کل قرآن

در سوره آل عمران خداوند می فرماید: « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ... »، (آیه ۷ سوره آل عمران: اوست که این کتاب را بر تو فرو فرستاد که برخی از آن آیه های محکم و روشن است.) خدا قرآن را بر تو نازل فرمود که بین این آیات، آیات محکمت است. آیاتی که هر کس بخواند قابل فهم است.

در ادامه این آیه خداوند می فرماید: « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ »؛ (آیه ۷ سوره آل عمران: او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد ، که قسمتی از آن ، آیات «محکم» [صریح و روشن] است که اساس این کتاب می باشد (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر ، با مراجعه به اینها ، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن ، «متشابه» است [آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر ، در نگاه اول ، احتمالات مختلفی در آن می رود ولی با توجه به آیات محکم ، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است ، به دنبال متشابهاتند ، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند در حالی که تفسیر آنها را ، جز خدا و راسخان در علم ، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل ، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند) این آیه کلید فهم کل قرآن است.

منظور از آیات محکمت قرآن / لزوم فهم قرآن

روایت داریم که آیات محکمت، آیاتی هستند که در آن متشابهات نیست، و آیات متشابهات آیاتی هستند که مثلا وقتی دو نفر هر دو یک سوره را می خوانند اما این سوره برای یکی محکم و برای دیگری متشابه است! و این از خصلت قرآن است. قرآن کتابی است که از آسمان آمده است و این کتاب برای انبیاء، اولیاء، صدیقین قابل مفهوم است و همانطور هم برای یک بچه دبستانی نیز قابل مفهوم است ولی هر کس به قدر خودش می فهمد.

دقت کنید، مثلا وقتی آب باران در یک دشت جاری می شود، این دشت به فراخور خودش از این نزولات آسمانی استفاده می کند. قرآن هم همینطور است که هر کس به مقدار ظرفیت خودش از آن استفاده می کند، البته کسی می تواند از قرآن استفاده کند که به آن عمل کرده باشد. رکسی هم که قرآن را نمی فهمد باید به مفسر و عالم دینی یا تفسیر مراجعه کند و از او بخواهد که توضیح دهد تا او قرآن را بفهمد و این طور نیست که چشم خود را ببند و بگوید من قرآن را نمی فهمم و در سطح فکر من نیست!

بنابراین در فهم قرآن به سه نتیجه رسیدیم و آن اینکه یک نفر می گوید من قرآن را می فهمم اما ما می گویم این طور نیست، یک جاهایی او نیز نمی فهمد. دوم آن کسی که قرآن را خوب می فهمد، باید آن جاهایی را که خوب فهمیده به قرآن عمل کند. و سوم هم کسی که اصلا قرآن را نمی فهمد نباید قرآن را به رای خود تفسیر کند، بلکه باید پیش یک عالم برود که او می فهمد و به او بگوید.

پرهیز از افراط و تفریط در فهم و تدبر قرآن

در این باره در کتابها نوشته اند و بحث آن خیلی مفصل است، اما مختصر آن این است که ما نباید در فهم و تدبر قرآن افراط و تفریط کنیم! نه از آن طرف بگوییم که ما قرآن را نمی فهمیم و آن را کنار بگذاریم و نه از آن طرف بگوییم قرآن برای ما مفهوم است و خودمان قرآن را تفسیر به رای کنیم. هر دو غلط است، بلکه صحیح آن است که آن چه را درک کردیم که صحیح است آن را عمل کنیم و آن چه که متشابه است باید در خانه اهل بیت(ع) رفت و از آنها سوال کنیم و تفسیر و تاویل آن را بپرسیم و این حد وسط است.

اما اینکه ما تفکر و تدبر در قرآن را کنار بگذاریم، کار بسیار اشتباهی است. اما الحمدالله الان این موضوع تدبر در قرآن در حوزه

الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ فَلَا يَجْلُ جَالٌ
بَصْرَهُ وَ لِيُبْلِغَ الصِّفَةَ نَظَرَهُ يُنْجِ مِنْ عَطَبٍ
وَ يَتَخَلَّصُ مِنْ نَشَبٍ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةٌ
قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي
الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ
وَ قَلْبِهِ التَّرَبُّصِ .

از امام صادق (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: که فرموده است: آیا مردم، شماها اکنون در خانه صلح و سازش هستید و شما در سر راهید و بشتاب شما را می‌برند، شما می‌نگرید که شب و روز و شب و ماه و مهر تازه‌ها را کهنه کنند و هر آینده دوری را نزدیک سازند و هر وعده‌ای را بسر آرند، شما هم آماده حرکت باشید که گذرگاه شما دور است. مقدار بن اسود از جا برخاست و گفت: یا رسول الله خانه صلح و سازش چیست؟ فرمود: خانه‌ای است که بدان رسند و از آن کوچند (یعنی موقتی است و کوتاه مدت و سزاوار جد و کوشش و جنگ و نزاع بر سر آن نیست) هر گاه آشوبها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن بچسبید زیرا شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و گزارش بدی‌ها را می‌دهد و گفت: او تصدیق می‌شود، هر که قرآن را رهبر خود سازد او را به بهشت کشاند و هر که آن را پشت سر خود نهد او را به دوزخ راند، همان قرآن رهنما است که به بهترین راهی رهنماید و آن کتابی است که در آن است تفصیل و بیان و تحصیل مقاصد، آن است جداکننده حق و باطل و رافع هر گونه اختلاف، شوخی و سرسری نیست، ظاهری دارد و باطنی دارد، ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش خرم و زیبا است و باطنش ژرف و نارسا، اخترانی دارد و اخترانش هم اخترانی دارند (قسمتهائی دارد و هر قسمتش هم قسمت‌هایی دارد خ ل) شگفتی‌هایش شماره نشوند و تازه‌هایش کهنه نگردند، در آن است چراغ‌های هدایت و فروزانگاه حکمت و دلیل بر معرفت، برای کسی که راه آن را بداند باید هر پیگردی دیده‌های خود را به همه سوی آن بچرخاند و نظر تأمل را تا درک صفت آن برساند، نجات بخشد هر که در معرض هلاک است و رها سازد هر که دچار چنگال است، پس به راستی اندیشه است که زنده می‌کند دل بینا را چونان که روشنی جو در تاریکی‌ها به وسیله نور راه می‌رود بر شما باد که خوش برآئید و کم بیائید و کم انتظار برید.

[۲] * من لا یحضره الفقیه ، جلد ۲ ، صفحہ ۶۲۶ بابُ الْفُرُوضِ
عَلَى الْجَوَارِحِ .

« قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي وَصِيَّتِهِ لَا بِنْتَهُ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا بِنْتِي وَاسْتَعْمِلِيهَا بِطَاعَتِهِ وَرِضْوَانِهِ وَإِيَّكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ أَوْ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ فَتَكُونِ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالْعَمَلِ بِمَا فِيهِ وَالزُّومِ فَرَائِضِهِ وَ شَرَائِعِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ وَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ وَ التَّهَجُّدِ بِهِ وَ تِلَاوَتِهِ فِي لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيَّ خَلَقَهُ فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَ لَوْ خَمْسِينَ آيَةً وَ أَعْلَمُ أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَيَّ عَدَدَ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَ ارْقُ فَلَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ أَوْ فَوْقَ دَرَجَتِهِ مِنْهُ ».

امیر المؤمنین علیه السلام در فراز پایانی وصیت خود به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: پس ای فرزند عزیز من، از خدا بترس، و آنها را در طاعت و خشنودی او بکار ببر، و زهار از آنکه خدای تعالی تو را در معصیت خویش ببیند، یا در مقام طاعت خود نیابد، که در این صورت از زیانکاران خواهی بود. و بر تو باد بخواندن قرآن، و عمل بمحتوای آن، و ملتزم بودن بفرائض و شرایعش، و حلالش و حرامش، و امرش و نهیش، و شبزنده‌داری با آن، و تلاوتش در شب و روزت، زیرا که آن پیمانی از جانب خدای تبارک و تعالی بسوی خلق او است، و از این رو بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در پیمان خود بنگرد، اگر چه با خواندن پنجاه آیه باشد. و بدان که درجات بهشت بشمار آیات قرآنست، پس چون روز قیامت فرا رسد، بقاری قرآن میگویند: «بخوان و صعود کن، پس بعد از پیمبران و صدیقین بلندمقام‌تر از او در بهشت وجود نمیدارد.

شبکه های اجتماعی: @soltanahmadi_ir | تلگرام | اینستاگرام | ایتا